

تیپولوژی و نوع‌شناسی جرایم در فقه و حقوق اسلامی

محمد علی توحیدی^۱

چکیده

نوع‌شناسی و تیپولوژی، موضوعی است که در مقوله‌های فراوان و از جمله در کримینولوژی یا جرم‌شناسی وجود دارد. در فقه و حقوق اسلامی نیز پرسش از تیپولوژی جرایم می‌تواند مطرح باشد که طبقه‌بندی و دسته‌بندی جرایم چگونه است. با توجه به اهمیت بحث جرایم در فقه و حقوق اسلامی، جستجوی روشنگرانه در نوع‌شناسی جرایم از منظر فقه و حقوق اسلامی نیز حائز اهمیت بوده و می‌تواند در عرصه‌های پژوهشی برای اساتید و دانشجویان رشته مربوطه مهم و مفید باشد. به‌رغم تلاش‌های ارزشمند فقیهان مسلمان در تمام مذاهب فقهی نسبت به همه ابواب فقهی، به‌خصوص مباحث جرایم، نگارنده این سطور جای پژوهش روشمند در تیپولوژی جرایم را خالی احساس نموده و اهتمام ورزیده است.

اگرچه در تقسیم‌بندی جرایم، مذاهب فقهی اتفاق نظر ندارند و بعضاً اختلافاتی در دسته‌بندی‌های گوناگون وجود دارد؛ اما بنا به مطالعات انجام‌شده، مهم‌ترین دسته‌بندی‌های فقهی در موضوع جرایم، تقسیم‌بندی آن از لحاظ مجازات، ارتباط و عدم ارتباط جرایم با حوزه عمومی جامعه، ارتباط جرایم با حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی، قصد و نیت مجرم نسبت به فعل و نتیجه مجرمانه آن و شکل سلبی و ایجابی جرم می‌باشد. تحقیق حاضر بنا به سرشت موضوع خود، کتابخانه‌ای بوده و با استناد به منابع اصیل فقهی فرق اسلامی و روش تحلیلی توصیفی انجام یافته است.

واژگان کلیدی: تیپولوژی جرایم، فقه، حقوق اسلامی، نوع‌شناسی، دسته‌بندی.

۱. محقق و استاد دانشگاه (عضو کادر علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان).

مقدمه

یکی از مباحث مهم در فقه و حقوق اسلامی بحث جرایم است که فقیهان مسلمان در ابواب و عناوین گوناگون مطرح نموده و در موارد متعدد به آن پرداخته‌اند. با توجه به تنوع جرایم در فقه و تعدد آراء مذاهب فقهی در این خصوص، لازم به نظر می‌رسد جرایم در فقه و حقوق اسلامی نوع‌شناسی گردد تا پاسخ این پرسش به دست آید که انواع جرایم در مذاهب فقهی اسلامی چگونه است. روشن شدن این ابهام می‌تواند برای جویندگان علم و دانش در حوزه فقه و حقوق اسلامی مفید و ضروری باشد.

در قوانین عرفی، جرایم به انواع متعددی چون؛ جرایم کیفری، جرایم مدنی، جرایم انتظامی، جرایم آتی، جرایم مستمر، جرایم طبیعی و ذاتی، جرایم قراردادی و غیر آن دسته‌بندی شده است. در فقه اسلامی به‌رغم مطرح شدن مباحث و مسائل غامض و پیچیده حدود، دیات و قصاص، تقسیم‌بندی منسجمی از انواع جرایم، بنا بر جستجوی نگارنده ظاهراً در حوزه زبان فارسی و دری موجود نیست. در گستره زبان عربی کتاب «التشريع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی» نوشته عبدالقادر عوده در باب دوم جلد اول به نوع‌شناسی جرایم در فقه اسلامی پرداخته است. اگرچه کارهای آقای عوده، نویسنده پرتلاش و توانمند مصری در این خصوص، قابل قدر است. اما باید گفت که در عین کلی بودن مباحث مطرح‌شده توسط آقای عوده، جای مذهب فقهی جعفری در نوشته‌های ایشان، کاملاً خالی بوده و تقسیم‌بندی و نوع‌شناسی جرایم در کتاب وی، به گونه بایسته مطرح نشده است. نوشتار حاضر می‌توان درآمدی بر این موضوع باشد. البته نوع‌شناسی جرایم در فقه اسلامی به‌صورت جامع، نیازمند تحقیقات ژرف و مفصل است. باوجوداین، «المیسور لایترک بالمعسور»؛ آب دریا را اگر نتوان کشید هم به‌قدر تشنگی باید چشید.

به نظر می‌رسد انواع جرایم در مذاهب فقهی اسلامی یکدست نیست و اختلافاتی در این زمینه وجود دارد که بعد از مفهوم‌شناسی «جرم»، در ضمن بیان انواع آن در فقه اسلامی به بررسی اختلافات مذاهب در خصوص انواع جرایم نیز خواهیم پرداخت.

مفهوم‌شناسی جرایم

جرایم جمع جُرْم کلمه عربی و در لغت به معنای بریدن و قطع کردن میوه درختان بوده است.

سپس به هر کار مکروه و ناپسند و وادار کردن به این نوع کارها، به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.، ۱۹۲). استعمال جرم در «ذنب» یا گناه به این دلیل است که گناه سبب انقطاع انسان از خداوند و عصیان و انحراف وی از مسیر الهی می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲، ۷۵). معادل فارسی جرم «بزه» و معادل انگلیسی آن، «crime» است. به گفته محققان، واژه جرم و مشتقات آن بیش از ۶۰ بار در قرآن کریم وارد شده که در مصادیق گسترده و وسیعی چون: مستکبران، ستمگران، منکران معاد، اعمال و رفتار مجرمانه و عقاید و اخلاق انحرافی به کار رفته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ۱۷، ۲۹۰).

از معنای لغوی جرم که عبور کنیم، معنای اصطلاحی آن در حوزه‌های مختلف علمی متفاوت بوده و در هر رشته علمی تعریف خاصی از آن صورت گرفته است؛ جامعه‌شناسان در تعریف جرم به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی توجه نموده و احساسات اجتماعی را مهم دانسته‌اند؛ از نظر جامعه‌شناسان هر نوع رفتاری که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را در قالب قانون نقض کرده و احساسات جمعی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۴، ۱۳۳؛ دورکیم، ۱۳۷۳، ۸۳). در اصطلاح حقوقی، جرم هر نوع فعل یا ترک فعل است که شخص مسؤول مرتکب گردیده و این نوع رفتار مغایر قانون بوده و در قانون برای آن، مجازات تعیین شده است (ولیدی، ۱۳۷۳، ۲، ۲۴). از نظر فقهی، برخی جرم را منهیات و محظورات شرعی دانسته که خداوند مردم را از ارتکاب آن‌ها با مجازات «حد» و «تعزیر» باز می‌دارد (نیآوردی، بی‌تا، ۱۹۲). در این تعریف اگر قید «شرعی» برداشته شود، معنای فقهی جرم با معنای حقوقی آن، نزدیک می‌گردد. اشکال اساسی این تعریف آن است که قصاص و دیات را شامل نمی‌شود؛ چراکه در آن‌ها حد و تعزیر وجود ندارد.

تعریف دیگری برای جرم فقهی انجام شده که آن را مترادف با «جنایت» دانسته است (عوده، بی‌تا، ج ۲، ۶۷). این تعریف نیز مناسب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا جرم را به یکی از مصادیق آن فرو کاسته و جنایت را که یکی از مصادیق جرم می‌باشد، با آن مساوی دانسته است. فقیهان مسلمان بر بعضی از جرایم «جنایت» اطلاق نموده و بعضاً باب مستقلی برای آن گشوده‌اند (الزحیلی، ۱۴۰۵ ق.، ج ۶، ۲۱۳) و آن، جرایمی است که علیه انسان و اعضای بدن او واقع می‌شود، مانند؛ قتل نفس، قطع اعضای بدن، ضرب و شتم. تعریف فقهی سوم برای جرم صورت گرفته که مناسب‌تر

است و آن اینکه؛ «جرم هر فعل و ترک فعلی است که از نظر شرعی حرام دانسته شده و یا برای آن مجازات لحاظ گردیده است». این تعریف جامع است و همه جرایم فقهی اعم از حدود، قصاص، دیات و تعزیرات را شامل می‌شود.

جرایم در فقه با جرایم در قانون عرفی متفاوت است؛ از نظر منابع، جرایم فقهی به منابع وحیانی (قران و سنت) و استنباطات مجتهدان و دانشمندان دینی از این منابع منتهی می‌شوند. اما جرایم در قوانین عرفی بر آراء اعضای مجالس قانون‌گذاری متکی هستند. تفاوت دوم مربوط به دایره شمول است؛ یعنی جرایم در فقه، دایره شمول وسیع‌تری دارد و جرایم شخصی و معاصی خصوصی مانند شرب خمر، ترک نماز و ... را نیز شامل می‌شود. اما جرایم در قوانین عرفی تنها مواردی دربر می‌گیرد که دارای بعد اجتماعی باشند و به اخلال نظام اجتماعی و اضرار به دیگران منجر گردد.

اهداف و مصالح وضع مجازات برای جرایم

فعالیت‌ها و اقداماتی که در این جهان شکل می‌گیرند، از نظر هدفمندی بر دودسته قابل تقسیم هستند؛ فعالیت‌های بدون هدف و فعالیت هدفمند. اقدامات و فعالیت‌های نوع اول اگر منتج به نتایجی گردد، قبل از انجام فعالیت، هدف‌گذاری نگردیده و به‌صورت تصادفی محقق شده است. در فعالیت‌ها و کارهای هدفمند قبل از آغاز شکل‌گیری، اهداف تعیین گردیده و به‌منظور رسیدن به آن‌ها، فعالیت‌ها انجام می‌گیرند. وضع مجازات برای جرایم، فعالیت و اقدام محسوب می‌شود که باید دارای هدف باشد. پاسخ این پرسش که هدف از مجازات در قوانین عرفی چیست، باید در جای خودش مورد بحث قرار گیرد. در شریعت اسلامی، برای وضع مجازات در قبال جرایم، اهدافی چون؛ بازدارندگی (مائده، ۳۳)، [لحن آیه مبنی بر بیان کیفرهای سنگین، ترس‌آور است] اجرای عدالت (انعام، ۶۰)، اصلاح و بازپروری مجرمان، تشریف و رضایت خاطر مجنی‌علیه، ناتوان‌سازی و تضعیف مجرمان، مدنظر شریعت می‌باشد. اما مهم‌ترین اهداف و مصالح مجازات جرایم این موارد هستند: حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال (زحیلی، ۱۴۰۵ ق. ۱، ج ۶، ۱۲).

حکمت و مصلحت وضع مجازات برای جرایمی چون؛ «ارتداد» و توهین به مقدسات دینی محافظت از اصل دین است و به‌منظور حفظ جان انسان، قتل، ضرب و جرح افراد انسانی جرم

تلقی گردیده و برای آن، مجازات وضع شده است. برای محافظت عقل انسان، استفادهٔ موادی مانند «شراب» که به عقل انسان آسیب وارد می‌کند، ممنوع اعلام شده و برای ارتکاب آن، مجازات لحاظ شده است. برای حفظ نسل انسانی، روابط زن و مرد را که خارج چهارچوب زوجیت قرار دارد حرام دانسته و برای مرتکبین آن مجازات تعیین کرده است و جهت محافظت از مال و ثروت و هم‌چنین امنیت و جان انسان‌ها، برای جرایم سرقت، قطاع‌الطریقی و ایجاد ناامنی مجازات سنگینی وضع گردیده است (حسنی، ۲۰۱۸ م، ۲۰).

نوع‌شناسی و دسته‌بندی جرایم از لحاظ مجازات

جرایم دارای تقسیم‌بندی‌های مختلفی است که یکی از آن‌ها تقسیم بر پایهٔ مجازات می‌باشد. در مادهٔ ۲۸ کود جزای افغانستان، جرایم از لحاظ مجازات بر سه دسته تقسیم شده است: قباح، جنحه و جنایت. قباح جرمی است که مجازات آن سبک (۳۰۰۰۰ افغانی جریمهٔ نقدی) می‌باشد؛ جنحه جرمی است دارای مجازات متوسط می‌باشد و جنایت دارای مجازات سنگین است. این نوع تقسیم‌بندی جرم در قوانین افغانستان سابقه‌چندانی ندارد، بلکه اصل این تقسیم‌بندی ابتدا در کشور فرانسه به وجود آمد و سپس به کشورهای دیگر راه یافت (محسنی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۲۷۴). ورود آن به قوانین افغانستان در دههٔ چهل قرن چهارده خورشیدی از کشورهای مصر و عراق صورت گرفته است (supremecourt.gov.af/Content/files/Tarikh_Qaza_dar_afg.doc). تقسیم‌بندی جرایم بر پایهٔ مجازات در فقه اسلامی نیز وجود دارد، اما با آنچه در قوانین عرفی وجود دارد، متفاوت است. در فقه اسلامی، جرایم از نظر مجازات بر چهار دست تقسیم گردیده است که عبارت‌اند از: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات.

حدود

حدود جمع «حد» به معنای «منع» است (الزحیلی، ۱۴۰۵ ق، ج ۶، ۱۲) و در اصطلاح فقهی به جرایمی گفته می‌شود که دارای مجازات مقدر و معین هستند (تبریزی، ۱۴۲۷ ق، ۷). مجازات در جرایم حدود، حق‌الله محسوب می‌شود که قاضی و حاکم اسلامی و هم‌چنین افراد دیگر حق تصرف در آن را ندارند. دربارهٔ انواع حدود میان مذاهب فقهی اتفاق نظر وجود ندارد؛ انواع حدود در مذهب حنفی نیز مختلف نقل شده است؛ در برخی موارد پنج نوع ذکر شده است که عبارت‌اند

از: ۱) حد سرقت اعم از قطاع‌الطریق و غیر آن؛ ۲) حد زنا؛ ۳) حد قذف؛ ۴) حد شرب خمر؛ ۵) حد شرب مسکر (الزحیلی، ۱۴۰۵ ق.، ج ۶، ۱۳). بعضی از فقیهان حنفی، حدود را پنج نوع دانسته است، اما با توجه به آیات قرآن کریم، قطاع‌الطریق و حرابه را نوع مستقل به حساب آورده و افزوده که در باب حدود هرآنچه با قرآن کریم ثابت می‌گردد، در مذهب حنفی حد محسوب می‌شود؛ ۱) حد زنا که با آیه ۲ سوره نور ثابت شده است؛ ۲) حد سرقت که با آیه ۳۸ سوره مائده ثابت گردیده است؛ ۳) حد قذف که با آیه ۴ سوره نور به اثبات رسیده است؛ ۴) حد شرب خمر که آیه ۹۰ سوره مائده بر آن دلالت دارد؛ ۵) حد قطاع‌الطریق که با آیه ۳۳ سوره مائده به اثبات می‌رسد (الجزیری، ۱۴۲۴ ق.، ج ۵، ۱۲-۱۳). اگر در متون فقهی مذهب حنفی دقیق‌تر نگرسته شود، حدود در این مذهب شش نوع است که عبارت‌اند از: ۱. حد زنا؛ ۲. حد قذف؛ ۳. حد سرقت؛ ۴. حد حرابه (قطاع‌الطریق شدن)؛ ۵. حد شرب خمر و ۶. حد شرب مسکر (جمعی از مؤلفان، ۱۴۱۰، ج ۱۷، ۱۳۱).

انواع حدود نزد مذاهب فقهی مالکی، شافعی و حنبلی، هشت مورد ذکر شده است: ۱. حد زنا؛ ۲. حد قذف؛ ۳. حد سرقت؛ ۴. حد بغی؛ ۵. حد ارتداد؛ ۶. حد شرب خمر؛ ۷. حد حرابه و ۸. قصاص (الجزیری، ۱۴۲۴ ق.، ج ۵، ۱۳؛ الزحیلی، ۱۴۰۵ ق.، ج ۶، ۱۳). اما واقعیت آن است که قصاص را نمی‌توان جزء جرایم حدود برشمرد؛ زیرا قصاص نوع دیگری از جرم محسوب می‌شود و نوعیت آن با حدود متفاوت است؛ در حدود هیچ‌کسی حتی قاضی و حاکم اسلامی نمی‌تواند اعمال نفوذ نموده و در مجازات‌های تغییراتی ایجاد کند؛ اما در قصاص، مجنی علیه یا صاحب حق می‌تواند در مجازات دخالت کند و یا آن را کاملاً به جانی ببخشد.

انواع حدود در مذهب فقهی جعفری یا امامیه، نسبت به سایر مذاهب فقهی از تنوع و تعدد بیشتری برخوردار است و موارد متعددی را شامل می‌گردد:

۱. زنا: حد و مجازات زنا در مذهب امامیه بر هشت نوع تقسیم گردیده است: نوع اول قتل است که برای زنای به عنف، زنای کافر ذمی با زن مسلمان و زنا با محارم مقرر گردیده است. نوع دوم، رجم است که برای زنای محصن و محصنه تعیین شده و فرد مقابل محصن باید دارای بلوغ و عقل باشد و فرد مقابل محصنه باید از عقل برخوردار باشد. نوع سوم، جلد یا صد ضربه شلاق می‌باشد که برای زنای محصن با صبیبه نابالغ و زن مجنونه و هم‌چنین برای زنای

محصنه با صبی نابالغ زنا‌ی غیر محصنه مقرر گردیده است. نوع چهارم، صد ضربه شلاق به اضافه جزّ (تراشیدن سر) و تغریب (تبعید کردن) می‌باشد. این نوع مجازات برای مرد غیر محصن تعیین شده است. نوع پنجم ۵۰ ضربه شلاق است که حد زنا‌ی مملوک و مملوکه (برده و کنیز) می‌باشد. نوع ششم حد مبعض است که به عنوان مجازات زنا‌ی برده‌ای تعیین شده که نصف آن آزاده گردیده و نصف دیگرش هنوز در حال بردگی قرار دارد. حد زنا‌ی انسان حر غیر محصن صد ضربه شلاق است و حد زنا‌ی برده پنجاه ضربه شلاق. ۱۰۰ و ۵۰ باهم جمع گردیده، تقسیم بر ۲، مساوی ۷۵ می‌شود و حد مبعض به دست می‌آید. نوع هفتم «ضغث» است؛ یعنی اگر فرد زناکار مریض بوده و مجازاتی که بر وی تعلق گرفته، صد ضربه شلاق باشد و با زدن صد ضربه شلاق احتمال مرگش زیاد است. به همین دلیل، تعدادی از چوب‌ها یا شلاق‌ها باهم ضمیمه گردیده و تبدیل به «ضغث» می‌شود و با همان ضغث بر بدن زناکار بیمار زده می‌شود. نوع هشتم، صد ضربه شلاق و مقداری بیشتر است. این نوع مجازات برای زناکار محصن که با صبیّه و مجنون در اماکن مقدس و در زمان‌های مقدس مانند؛ ماه مبارک رمضان مرتکب زنا گردیده، تعیین شده است (مکی العاملی، ۱۴۱۱ ق، ۲۳۴-۲۳۵).

۲. لواط: حد و مجازات لواط در فقه امامی قتل می‌باشد. این قتل باید یا با شمشیر یا با سوزاندن در آتش، یا با رجم، یا با انداختن از کوه و یا تخریب دیوار بر لواط کننده محقق گردد. در لواط، تطبیق حد بر فاعل و مفعول مشروط بر آن است که آنان عاقل، بالغ و مختار باشند (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ۹، ۱۴۱-۱۴۴).

۳. سحاق / مساحقه: به هم جنس‌بازی مردان لواط گفته می‌شود و به هم جنس‌بازی زنان سحاق یا مساحقه اطلاق می‌گردد. حد سحاق و مساحقه، صد ضربه شلاق است مشروط بر اینکه مساحقه‌کنندگان، بالغ، عاقل و مختار باشند. هیچ‌یک از صفات آزاد بودن، کنیز بودن، مسلمان بودن و کافر بودن در این حکم، دخالتی ندارد (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ۹، ۱۵۸-۱۵۹).

۴. قیاده (قیادت): منظور از قیاده آن است که فردی، طرفین فحشا و افعال شنیع از قبیل؛ زنا، لواط و سحاق را مرتبط سازد و آنان را به همدیگر برساند. حد قیادت هفتاد و پنج ضربه شلاق

- است؛ تفاوتی ندارد که قواد و قیادت‌کننده مرد باشد یا زن، آزاد باشد یا برده، مسلمان باشد یا کافر (عاملی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۹، ۱۶۴).
۵. قذف: در اصطلاح فقهی قذف به معنای نسبت دادن عمل زنا یا لواط به کسی است که در صورت عدم اثبات از جانب نسبت دهنده، حد و مجازات قذف متوجه او می‌گردد که مقدار آن بر اساس آیه ۴ سوره نور، هشتاد ضربه شلاق است.
۶. شرب مسکر: در مذهب فقهی جعفری شرب مسکر به هر اندازه که باشد، حرام است و موجب تعلق حد می‌گردد. حد و مجازات شرب مسکر، مانند قذف هشتاد ضربه شلاق است (عاملی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۹، ۲۰۳).
۷. سرقت: در شرایط خاصی سرقت موجب حد می‌گردد و حد آن، در مرحله اول، قطع انگشتان دست راست سارق از قسمت مفصل انگشتان یا حد فاصل کف و انگشتان می‌باشد و در صورت تکرار، پای چپ از قسمت مفصل قدم قطع می‌گردد (حلی، ۱۴۱۱ ق.، ۱۸۸).
۸. محارب/ حرابه: در فقه جعفری حرابه به معنای تجرید یا تشهیر سلاح به منظور ترساندن مردم است که با توجه به مراحل و درجات حرابه، حد و مجازات آن، عبارت است از: قتل، به صلیب کشیدن، قطع دست و پا به صورت خلاف و تبعید یا نفی بلد (حلی، ۱۴۱۱ ق.، ۱۹۰).
۹. ارتداد: در فقه جعفری ارتداد بر دو نوع است؛ ارتداد فطری و ارتداد ملی. در ارتداد فطری اگر مرتد مرد باشد، حد و مجازات آن قتل می‌باشد و اگر مرتد زن باشد، مجازات وی حبس ابد است (مکی‌العاملی، ۱۴۱۱ ق.، ۲۴۶).

قصاص

قصاص از «قص» گرفته شده است که در لغت به معنای تبعیت و پیروی می‌باشد و قاص (قصه‌گو) کسی است که آثار و اخبار گذشتگان را تبعیت و پیروی می‌کند. معنای فقهی قصاص با معنای لغوی آن بی‌ارتباط نیست و قصاص شدن قاتل به این معنی است که باید شیوه و طریقی را که در قتل مقتول اتخاذ نموده است، تبعیت کند و مانند او به قتل برسد (جزیری، ۱۴۲۴ ق.، ج ۵، ۲۱۹). قصاص بر دو نوع است؛ قصاص نفس و قصاص اعضاء. در اصل قصاص که با آیات

قرآن کریم و روایات نبوی به اثبات رسیده است، میان مذاهب اسلامی اختلافی وجود ندارد. از آنجا که قصاص با فعل عمدی جانی مرتبط است، در اینکه چه نوع فعلی عمدی و چه نوع فعلی غیر عمدی محسوب می‌شود و معیار عمدی بودن چیست، میان مذاهب فقهی اختلاف نظر وجود دارد (الزحیلی، ۱۴۰۵ ق.، ۲۲۱-۲۳۱).

دیات

دیات جمع دیه از ماده «ودی» در لغت به معنای عطا کردن و پرداخت نمودن است (فیومی، ۱۴۱۴ ق.، ۶۵۴). به خون‌بها دیه گفته شده است؛ زیرا از جانب قاتل به ولی مقتول پرداخت می‌گردد. در اصطلاح فقهی، به مالی گفته می‌شود که از جانب قاتل به عنوان خون‌بهای مقتول به اولیاء وی پرداخت می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.، ۸۶۲). چنانچه در آیه ۹۲ سوره نساء «دیه» به همین معنا اطلاق گردیده است. مجازات در قصاص و دیات همانند مجازات حدود دارای مقدار مشخص و معین می‌باشد، اما برخلاف حدود، در مجازات قصاص و دیات، مجنی‌علیه حق دخالت و بخشش دارد و می‌تواند آن را مورد عفو قرار دهد و یا عفو نکند (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۸۱). دیات در یک تقسیم‌بندی کلی بر دودسته تقسیم می‌گردد: دیه نفس و دیه اعضاء. دیه نفس را می‌توان به دیه مرد مسلمان و دیه زن مسلمان، دیه مرد کافر ذمی و دیه زن کافر ذمی، دیه انسان حر و دیه انسان غیر حر دسته‌بندی کرد. دیه اعضاء نیز به تناسب اعضائی که دارای دیه می‌باشد، قابل دسته‌بندی است (حلی، ۱۴۱۱ ق.، ۱۹۹-۲۰۳).

تعزیرات

تعزیرات جمع تعزیر در لغت به معنای نصرت، ردّ، منع، ردع، تعظیم و تأدیب است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۳۰). در اصطلاح فقهی به جرایمی گفته می‌شود که برای آن‌ها مجازات مشخص و مقدر تعیین نگردیده، بلکه مقدار آن در حیطه اختیارات قاضی و حاکم اسلامی قرار داده شده است؛ به این معنا که قاضی می‌تواند مجازات این نوع جرایم را تعیین نموده و درباره آن تصمیم‌گیری کند و حتی آن را مورد عفو قرار دهد. در حقوق اسلامی، تعزیرات دارای محدودیت نمی‌باشند و تعداد آن‌ها از جانب شارع مشخص نگردیده است (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۸۰-۸۱).

جرایم عمومی و جرایم خصوصی

جرایم به لحاظ ارتباط با مصالح عمومی و خصوصی و یا جامعه و اشخاص، بر دودسته تقسیم می‌گردد: جرایم عمومی و جرایم خصوصی. جرایمی که با مصالح عمومی جامعه مرتبط باشد و امنیت و نظم اجتماعی را دچار آسیب و اختلال کند، جرایم عمومی محسوب می‌شود. مانند؛ حراجه، سرقت و مانند آن. امام جرایمی که بعد شخصی و خصوصی دارد و فاقد بعد عمومی بوده و یا اینکه مصالح عمومی و اجتماعی در آن کم‌رنگ باشد، جرایم شخصی محسوب می‌گردد. مانند؛ شرب مسکر، ترک یکی از واجبات و مانند آن. از نظر فقها، مجازات جرایمی که دارای جنبه عمومی هستند، به خاطر حمایت از مصالح عامه و نظام اجتماعی تشریع گردیده و «حق‌الله» محسوب می‌شوند و این بدان معنی است که عفو، تخفیف و توقف در اجرای آن‌ها جایز نیست (الکاسانی، ۱۹۸۲، ج ۷، ۳۳).

جرایم حدود را می‌توان عمومی دانست که مصالح عمومی در مجازات آن‌ها مدنظر است. به همین دلیل، عفو، تخفیف و توقف در جرایم حدود جایز نیست. جرایم قصاص و دیات به‌رغم مشخص بودن مقدار مجازات، با حدود متفاوت بوده و منافع اشخاص در آن‌ها غلبه دارد. به همین دلیل، اشخاص ذی‌نفع می‌توانند از مجازات بگذرند و آن را مورد عفو قرار دهند و این نوع جرایم، خصوصی محسوب می‌شوند (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۹۸-۹۹).

جرایم سیاسی و جرایم غیرسیاسی

جرایم از نظر شورش و ابراز مخالفت با حاکم اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلی بر دودسته تقسیم می‌گردد: جرایم سیاسی و جرایم غیرسیاسی. منظور از جرایم سیاسی، رفتار خشونت‌آمیز علیه حاکم اسلامی است که به‌قصد مخالفت با حاکم اسلامی و برانداختن آن در حال جنگ انجام گردد. اما در غیر شرایط جنگی اگرچه سنگین‌ترین جرم را مرتکب شود، جرم سیاسی نخواهد بود؛ چنان‌که عبدالرحمن ابن ملجم مرادی عضو گروه شورشی خوارج بر امام مسلمین حمله تروریستی انجام داد و آن حضرت را به شهادت رساند. در اصطلاح فقهی به جرم سیاسی «بغی» و به مجرمان سیاسی «بغات» یا گروه باغیه گفته شده است (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۱۰۰-۱۰۱).
تعریف جرم سیاسی در مذاهب فقهی مورد اتفاق وجود دارد و همگان جرم سیاسی را رفتار

خسونت‌آمیز علیه حاکم جامع‌الشرایط اسلامی می‌دانند که به قصد براندازی حکومت اسلامی در حال جنگ انجام گرفته باشد. اما با توجه به باورهای کلامی، شرایط جرم سیاسی و مجازات آن در مذهب شیعه با مذاهب اهل سنت متفاوت می‌باشد. در مذهب امامیه، قتل مجرم سیاسی هنگامی واجب است که امام عادل یا کسی را که او منصوب نموده است، دستور دهد (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ۳۰۷). افزون بر آن، رفتار شورش‌گرا نه و براندازانه علیه امام عادل جرم سیاسی محسوب می‌شود. اما در مذاهب چهارگانه اهل سنت، رأی غالب و اکثریت آن است که امام در اثر ظلم و فسق و معطل ساختن حقوق عزل نمی‌شود و نباید علیه وی شورش کرد؛ زیرا موجب بی‌ثباتی سیاسی و ایجاد فتنه در جامعه اسلامی می‌گردد (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۱۰۲). البته اقلیتی نیز وجود دارد که ستم و فسق حاکم اسلامی و زیرپا گذاشتن حقوق افراد جامعه باعث عزل وی گردیده و مسلمانان می‌توانند او را عزل و برکنار کنند و مخالفان حکومت را یاری رسانند (ابن نجیم الحنفی، بی‌تا، ج ۵، ۱۵۱-۱۵۲).

جرایم عمدی و جرایم خطایی

یکی از دسته‌بندی‌های جرایم در حقوق اسلامی، جرایم عمدی و جرایم خطایی است که در قوانین موضوعه نیز همین دسته‌بندی موجود می‌باشد. در جرایم عمدی، قصد و نیت مجرم برای انجام فعل جرمی شرط است و مجرم به‌رغم علم به ممنوعیت شرعی و قانونی جرم، به قصد رسیدن به نتیجه آن، مرتکب فعل جرمی گردد. در صورت ثبوت معیار عمدی بودن جرم، مجازات آن با مجازات جرایم خطایی متفاوت است؛ مثلاً، مجازات قتل عمدی علاوه بر حرمان از ارث، قصاص می‌باشد (الزحیلی، ۱۴۰۵ ق، ج ۶، ۲۶۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ۱۸۰). اما در قتل خطایی نه قصاص وجود دارد و نه حرمان از ارث، بلکه مجازات آن، پرداخت دیه می‌باشد (الجزیری، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ۳۲۳).

جرایم خطایی می‌تواند بر دو نوع دسته‌بندی گردد: اول اینکه مجرم قصد انجام فعلی را دارد، اما نتیجه جرمی مقصود وی نیست و بر اثر وقوع خطا، نتیجه جرمی محقق می‌گردد؛ مانند؛ شکارچی که به قصد شکار کردن حیوانی تیری را رها کند و آن تیر به بدن انسانی اصابت کند. دوم اینکه خا طی قصد انجام فعل را هم نداشته است؛ مانند؛ کسی که خواب باشد و از بلندی سقوط

کند و روی کسی دیگر قرار گیرد (عوده، بی‌تا، ج ۱، ۱۲۱).

جرایم ایجابی و جرایم سلبی

یکی از نوع‌شناسی‌های جرایم در فقه و حقوق اسلامی، گونه‌های ایجابی و سلبی جرایم است؛ یعنی جرایم از نظر انجام یا عدم انجام فعل، بر دودسته تقسیم می‌گردد؛ جرایم ایجابی و جرایم سلبی. در جرایم ایجابی مجرم فعل و عمل ممنوع را مرتکب می‌گردد. اما در جرایم سلبی مجرم وظیفه خود را نسبت به یک عمل انجام نداده و آن فعل ترک می‌کند؛ مانند؛ ادای شهادت که واجب است و کتمان آن حرام می‌باشد (حلی، ۱۴۱۹ ق.، ج ۲، ۶۳). یا اینکه اگر کسی فردی را محبوس سازد، باید به او آب و غذا دهد تا از گرسنگی و تشنگی تلف نشود. چنانکه قصد کشتن وی را داشته باشد و به او آب و غذا ندهد و از فرط تشنگی و گرسنگی بمیرد، قتل عمد محسوب می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق.، ج ۹، ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

در فقه و حقوق اسلامی، جرایم به انواع و اقسام متعدد و متنوع دسته‌بندی گردیده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها را به این شرح می‌توان مورد اشاره قرار داد: جرایم از نظر مجازات بر چهار دسته قابل تقسیم می‌باشند؛ حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. اقسام حدود در مذاهب فقهی یکسان نیست و تفاوت‌هایی در این زمینه، میان مذاهب وجود دارد. از نظر ارتباط و عدم ارتباط با مصالح عمومی، جرایم بر دودسته تقسیم می‌گردد: جرایم عمومی و جرایم شخصی. از لحاظ مخالفت و عدم مخالفت با حاکم اسلامی، به‌صورت کلی دو نوع جرم وجود دارد: جرایم سیاسی و جرایم غیرسیاسی. با توجه به قصد و نیت مجرم نسبت به فعل و نتیجه جرمی آن، جرایم عمدی و جرایم خطایی شکل می‌گیرد. از نظر تحقق وجود خارجی، جرم هم با انجام فعل محقق می‌گردد و هم با ترک فعل. به همین جهت، تقسیم‌بندی دیگری بر تیپولوژی جرایم اضافه می‌شود که عبارت است از: جرایم ایجابی و جرایم سلبی.

منابع و مأخذ

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق.)، المفردات فی الفاظ قرآن الکریم، بیروت: دارالقلم.
۲. موسوی بجنوردی، سید کاظم (۱۳۹۵)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی، چاپ دوم.
۵. دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۶. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات داد، چاپ دوم.
۷. نیآوردی، ابوالحسن (بی‌تا.)، الاحکام السلطانیة، قاهره: مطبعة السعادة.
۸. الزحیلی، وهبه (۱۴۰۵ ق.)، الفقه الاسلامی وادلته، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم.
۹. عوده، عبدالقادر (بی‌تا.)، التشریع الجنائی الاسلامی، بیروت: دارالفکر العربی.
۱۰. حسنی، نجیب محمود (۲۰۱۸ م.)، الفقه الجنائی الاسلامی، اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعیه، چاپ دوم.
۱۱. محسنی، مرتضی (۱۳۹۳)، دوره حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ ق.)، اسس الحدود و التعزیرات، قم: دفتر مؤلف.
۱۳. الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ ق.)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. جمعی از مؤلفان (۱۴۱۰ ق.)، الموسوعه الفقهی، کویت: وزارة الاوقاف، چاپ دوم.
۱۵. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۱ ق.)، اللمعه الدمشقیه، قم: مطبعة قدس.
۱۶. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق.)، الروضه البهیة، قم: کتابفروشی داوری.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ ق.)، تبصره المتعلمین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۸. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق.)، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم.
۱۹. الکاسانی، علاءالدین (۱۹۸۲ م.)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۰. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق.)، شرائع الاسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۱. ابن نجیم الحنفی، زین‌الدین (بی‌تا.)، البحر الرائق شرح کنزالدقائق، بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵ ق.)، المغنی، بیروت: دارالفکر.
۲۳. حلی، مقداد بن عبدالله (معروف به فاضل مقداد) (۱۴۱۹ ق.)، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی